بدون عنوان

شماره پرسش: ۳۳۷۶

تاریخ ارسال پرسش: ۰۶:۰۰:۰۰ ۱۳۹۱/۱۰/۲۲

متن پرسش

از یی از دوستانم شنیدم که در جلسه ای : « بعد از تکبیر و آیین های معمول بین دو نماز، حاج آقایی بلند شده و شروع به سخن کرد. موضوع سخن اربعین و امام حسین (ع) بود. در بخشهایی از سخنش گفت وقتی حضرت جبرئیل خبر بارداری حضرت زهرا (س) برای امام حسین (ع) را به پیامبر داد و گفت: این نوه ات به دست امت تو کشته می شود پیامبر گفت این فرزند را نمی خواهم، جبرئیل نزد خدا برگشت و خداوند باز فرمود که این فرزند به دست امت پیامبر کشته می شوند. برگشت جبرئیل نزد پیامبر و مخالفت پیامبر باز تکرار شد و در سومین بار (اینجای سخن حاج آقا دقیق یادم نیست، شاید بیشتر از سه بوده باشد ولی کمتر نبود) وقتی خداوند فرمود خون این فرزند مایه هدایت مردم می شود پیامبر راضی به تولد این فرزند شدند! سپس سخنران محترم فرمود حضرت زهرا (س) نیز با خبر دار شدن از کشته شدن فرزندش به دست مردم ناراحت شده و گفتند این فرزند را نمی خواهم و وقتی فهمیدند خون اما حسین مایه هدایت مردم است راضی شدند. بعد سخنران مثال زد و گفت حضرت زهرا (س) در دوران بارداری تا تولد امام دائماً غم زده بودند، مثل مادری که می داند فرزندی که در شکم دارد معلول است!! یا کسی که خبر دارد چند سال بعد بچه اش می میرد!» آخه اینم شد موعظه در مسجد تو روز اربعین. من که تا حالا چنین چیزهایی نشنیدم. آیا برای این حرفها سندی وجود دارد. ۲. به تازگی خبری خواندم که تنم را لرزاند. البته با وجود جلسه های پربرکت شما باز جای شبهه و تردید در تمامی وعاظ ایجاد شده>خواستم نظرتان را در مورد این قضیه بدانم. خبر را در ادامه می آورم. « انتقاد صریح رسول جعفریان از ترویج ادعاهای پناهیان درباره ظهور توسط صداوسیما دین - بازتاب نوشت: حجت الاسلام والمسلمین رسول جعفریان، ضمن انتقاد شدید از سخنان برخی افراد که در تریبونهای رسمی به خرافات درباره ظهور حضرت مهدی(عج) دامن می زنند، دستگیری برخی از این افراد و تشویق برخی دیگر را برخوردی دوگانه خواند. استاد تاریخ دانشگاه تهران تصریح کرد: متاسفانه به جای آن که متفکران و اندیشمندان از روحانی و دانشگاهی رشته فکر را در دست گرفته و باب اندیشه و اندیشیدن را باز نگاه دارند،، قریب هشت سال است که در این کشور مشتی روضه خوان و مداح ـ با همه ارزشی که از باب مرثیه خوانی برای اباعبدالله(ع) قائلیم ـ سردمدار فکر و اندیشه شده اند. آن روز که آن مداح معروف - که حالا هم عوارض حمایت های سیاسی بی دلیل خود را مشاهده می کند- ، علیه مرجعیت دینی بلندپایه حوزه که به روضه خوانان نصحیت کرده بود، حرف زد و آن سخن زشت را بر زبان آورد، باید حدس می زدیم این ماجرا چند سال بعد به کجا می انجامد. وقتی چند مرکز روضه خوانی و مداحی برای سیاست کشور تعیین تکلیف کرد، روشن بود که ماجرا به

کجا ختم می شود؟ جعفریان با اشاره به این که نوعی انحطاط فکری کشور را فرا گرفته است، گفت: این که کسانی در همه فنون و علوم اظهار نظر کرده، کشور را با لاطائلات به ظاهر دینی خود که هیچ سنخیتی با افکار اصیل شیعی ندارد و مراجع دینی هم آنها را تایید نمی کنند، پر کرده اند، و سیما هم به آنها میدان داده، همه اینها نشان می دهد که ما در حال فرو رفتن در باتلاقی از انحطاط فکری هستیم که به سادگی از آن بیرون نخواهیم آمد. داستان تفکر طوری است که جامعه دیر و در یک تدریج طولانی وارد آن می شود؛ اما وقتی در جامعه جاگیر شد، عوارض و تبعاتش تا دیرهنگام حتی تا قرنها خواهد بود و جامعه را از جاده علم و دانش و پیشرفت و نوعی تمدن اسلامی به روز باز می دارد. وی با بیان این که داستان ظهور با این شکل که آقای پناهیان و امثال ایشان طرح می کنند، ریشه در آموزه های شیعی ندارد و بیشتر نشأت گرفته از ذهن خلاق خودشان است، گفت: همان طور که شیخ مفید و شیخ طوسی و علامه حلی نشان دادند، جامعه شیعه و دنیای تشیع را باید با فقه و شریعت زنده نگاه داشت و از اخلاق و عرفان سالم هم به عنوان وسیله ای برای ایجاد مناسبات نرم میان مردم باید استفاده کرد. ظهور هم که نوعی انتظار مثبت است، جای خود را دارد، اما نه بافتنی هایی که به اسم ظهور وجود مقدس حضرت مهدی(عج)، صدها بار در تاریخ دور و نزدیک ما به عنوان تفکر متمهدی های دروغین طرح شده و به جایی نرسیده است و هر بار به باورهای مردم هم ضربه و صدمه زده است. استاد تاریخ اسلام و ایران ادامه داد: یک نگاه ساده ای به گذشته بکنید و ببینید چند بار حرف «ظهور نزدیک است» زده شده و با افتضاح ماجرا خاتمه یافته است. با این حرفها که نمی شود برای کشور راهبرد درست کرد و آینده نگری کرد. اینها مشتی بافتنی است که به درد اداره مملکت نمی خورد؛ حتی اگر همه اش با کلمات و ترکیبات تازه بیان شود. کشور نیاز به استراتژیست هایی دارد که دنیا را بشناسند، کشور محتاج دانشمندانی است که علم حقوق را بدانند و راه تحقق حقوق مردم را یاد بدهند. وقتی شما ذهن و عقل مردم را با همین حرفهای بی پایه و پرطمطراق مثل قواعد ظهور پر کردید، دیگر کدام سخن علمی مقبول واقع خواهد شد؟ یک قوم ساده و سطحی خواهید داشت که بی دلیل جوش می آورد و بی گدار به آب می زند و بعد هم زحمات چند نسل را به باد می دهد. جعفریان گفت: این قبیل افکار در باره ظهور که برای آن قاعده درست می کنند و نمودار می کشند و وقت ظهور تعیین می کنند و هشدار باش آمادگی برای همین نزدیکی ها می دهند، در حالی که نه علم غیب دارند و نه دانش درست دینی و نه شرایط عالم را می شناسند، به راحتی می تواند زمینه ظهور فرقه هایی شبیه بابیت را در ایران فراهم کنند. این شخص تصور می کند که بحث ظهور، غیب است که پیشگویی کند یا علم است که از روی قواعد علم تجربی مثل خسوف و کسوف حدس بزند؟ اگر ادعای علم غیب دارد که وانفسا! اگر ادعای علمیت دارد که هم در موضوع و هم محمول و هم حامل همه محل تردید است. اگر به روایات هم عمل می کند، هر کسی پیش بینی وقت ظهور را کرد باید تکذیبش کرد و ما ترجیح می دهیم این کار را بکنیم. اینها هر روز اصطلاح جدیدی می سازند و مرتب بر حجم مذهب می افزایند و فاصله اش را با مسلمانان دیگر بیشتر و بیشتر می کنند. آیا این طور تبلیغ مذهب می شود تا

آن را منزوی تر و متفردتر و دور از جمع مسلمانان می کند که وحدت میان آنها آرزوی امام و رهبری و انقلاب بوده و هست؟ وی هشدار داد: در این باره شک نباید کرد و بدون مجامله باید گفت احتمال دارد که در وقت خطر، گروهی از کسانی که در حال حاضر با پولهای بادآورده علیه جریان های سیاسی و افرادی فعال هستند، یک مرتبه تحت هدایت یکی از این افراد _ که خیلی هم مجهول نیستند _ راهشان را کج کرده، بدعتی در شیعه بگذارند که قابل جبران نباشد. اگر چنین شد، مسوولیت آن با افرادی است که الان سکوت کرده و یا حتی به این قبیل افراد میدان می دهند. این نویسنده افزود: همه می دانیم سید علی محمد باب ۲۲ ساله بود که این ادعاها را کرد، اما عده ای بزرگتر از خودش که مشکل داشتند از او حمایت کردند و این جریان را به آنچه امروز درست شده رساندند. حجت الاسلام جعفریان بحث «ظهور صغری» را که طراحی نوعی روند برای ظهور کبری باشد، و این آقا و نظایر او طرح می کنند، نشأت گرفته از افکار سطحی سید حسن ابطحی دانست و گفت: نخستین بار، وی این مطالب را از ملاآقا جان زنجانی نقل کرد. ملاآقا جان یک روضه خوان در زنجان بود که مشتی داستان در اطرافش شکل گرفت. آقای ابطحی هم ذهنی دارد دور از فقه و پر از افکار و اندیشه های ماورائی که بسیاری از آنها مخدوش است و امروز بیش از هر زمان بی پایگی این حرفها روشن شده است. چطور آقای ابطحی در این حکومت زندانی و محدود می شود، اما افرادی مثل پناهیان که همان حرفها را، اما در قالب انقلابی می زنند و بعد از ظهور صغری، حرف از قواعد ظهور به میان می آورند و آماده باش می دهند، به راحتی فرصت می یابند که مدام در سیما مطالب و افکار و اندیشه های بی اساسشان منتشر شود. این شخص در کجا درس خوانده؟ چه قدر فقه می داند؟ چه قدر با مبانی فلسفی اسلام آشناست؟ چه قدر تاریخ اسلام خوانده؟ کجا تحصیل کرده که که در هر بابی نظر می دهد؟ آیا واقعا قرار است هر کس خوش صحبت است و چند جمله را به هم وصل می کند و حرفهای درشت و تازه می زند که هیچ کدام محک خود را نزد علما پس نداده، باید بتواند از وقت سیما که متعلق به تمام مردم است استفاده کند؟ جعفریان گفت: در همین ایام با کمال شگفتی یک منبری در حضور رهبری، کربلا را با مهدویت گره زده و نفی می کند که امام حسین علیه السلام برای برپایی حکومت اسلامی مبارزه کرده باشد، به طوری که پس از منبر به وی اعتراض شده و برداشت او نادرست خوانده می شود. این که نمی شود ما با مطهری و شریعتی و بهشتی انقلاب کنیم، با نهج البلاغه انقلاب کنیم، اما در دهه اخیر همان آن حرفها را رها کرده و با علائم الظهور که منهای روایات معدودی از آن، باقی ساخته دست فرصت طلبانی است که هر از چندی قصد شورش و تصرف حکومت را داشتند، برای کشور برنامه ریزی کنیم. این نویسنده ضمن اعلام خطر درباره نفوذ این افکار در برخی از محافل نظام و شخصیت های سیاسی کشور هشدار داد: وصل شدن این سخنان که خود بوی قدرت می دهد با قدرت های سیاسی و اداری و مالی، بدون نظارت دقیق فکری از سوی مرجعیت بر آنها، کشور را در آستانه نوعی انحطاط فکری قرار داده که عوارض سیاسی آن غیر قابل پیش بینی است. جعفریان ادامه داد: بیم آن می رود تا مدتی دیگر، آن قدر این حرفها زده شود که جزو مسلمات شود و دیگر کسی

نتواند از آنها انتقاد کند. البته این که این افراد در محضر رهبری این مطالب را می گویند، معنایش این نیست که آن مطالب از نظر ایشان درست است. بارها شده است که رهبری بعد از سخنرانی از آنها انتقاد کرده اند. آقای راشد یزدی به من گفتند، وقتی مداحی در حضور رهبری مطالب نادرستی گفت من به ایشان عرض کردم اینها وقتی در حضور شما این طور بگویند، جای دیگر چه ها خواهند گفت؟ رهبری فرمودند: سال قبل هم این مطالب را گفت و به او یادآور شدم نادرست است، امسال دوباره می گوید! نمی شود انتظار داشت رهبری به هر کسی گیر بدهد. این افراد متخصص و صاحب نظر هستند که باید نظر بدهند و اجازه ندهند روزنه ها بسته شود. استاد تاریخ دانشگاه تهران با اشاره به این که در دولت نهم ودهم، ضمن این که علاقه ای به آبادانی مملکت نشان داده شد، گفت: در این دولت تفکر عمیق، برنامه ریزی و خرد گرایی دینی جایی ندارد، چون اساس این دولت با همین مداحی ها پیش رفت. نهایت چیزی که هست که آن هم محل اشکال است، نوعی عملگرایی با تعریفی خاص از آبادی است که اگر این مقدار هم نبود، باید فاتحه کشور خوانده می شد. باید گفت درآمدهای هنگفت نفتی در هشت سال گذشته ضمن این که بخشی از کشور را آباد کرده، اما با نگرش ماورائی حاکم بر دولت، و تسلط افکار ساده و بدون برنامه با مدیران هیئتی و دور شدن از مراجع دینی و اعتبار نهادن به اظهارات روضه خوانان، مانع از ایجاد یک نظام اندیشگی شده و به جای آن ادعاهای بزرگ، دعاوی ظهورمدارانه که به تدریج جای تسلط فقه را خواهد گرفت و راهبردی دیگر را برابر ما خواهد گذاشت، مطرح شده است. جعفریان با اشاره به این که این کشور هم در دوره اصلاحات و هم در دوره بعد از آن بدشانس بوده و هیچ کدام با افکار رهبری سازگاری ندارد، گفت: با توجه به سابقه فکری که از مقام معظم رهبری داریم و آنچه در کتاب «شرح اسم» در باره گذشته فکری ایشان خوانده ایم، ایشان را فردی خرد گرا و واقع بین می شناسیم، اما شرایط به گونه ای شده است که افکار ایشان در میان مجموعه ای از عوامل مؤثر در تفکر جامعه تنها و مغفول مانده است، به طوری که بخش های مهمی از صداوسیما، این خط خردگرایانه را دنبال نکرده و معرکه را به گروه های شعاری و افراطی واگذار کرده است. این نویسنده ضمن اشاره به فعالیت های فکری و پژوهشی که در قم جریان دارد، گفت: متاسفانه بسیاری از این مؤسسات زیر سلطه کسانی است که گرچه به ظاهر به اندیشه های فلسفی اهمیت می دهند، اما در باطن گرفتار افراط گرایی در زمینه اندیشه های مربوط به ظهور بوده و با ترویج کیش شخصیت و مراد و مریدی، طلاب خود را گرد خود و برای خود پرورش داده و به رغم هزینه های سرسام آور هیچ خروجی فکری روشنی ندارند. برخی از مشهورترین این موسسات، فقط علاقه مندند شارح افکار رئیس باشند تا حامی جریان علم و دانش دینی مستقل. هرچه می نویسند و چاپ می کنند و گاه بیش از چندین مجله هم دارند، شرح افکار بزرگ تشکیلات است و بس. به همین دلیل پیشرفت مناسبی هم نداشته و خروجی قابل ملاحظه ای ندارند و به جای آن، به روش های حذف دیگران از هر طرف، اعتماد بر گروه های افراطی از سوی دیگر و تکرار مکررات روی آورده‌اند. آنچه امروز در حوزه مطرح است، طبقه بندی همان حرفهای گذشته، دسته بندی تازه تر اما در واقع، اگر

نگوییم کم محتواتر، چیزی همطراز گذشته است. جعفریان گفت: این اسباب تاسف است که یک مجری تلویزیون بگوید برج ساعت را در مکه ساخته اند برای این که اگر مهدی (ع) ظهور کرد، تک تیراندازانشان از آنجا حضرت را هدف بگیرند. آخر این چه دانشی است، چه علمی است؟ چه بینشی است که به مردم داده می شود؟ وی با هشدار درباره برنامه های تکراری شعاری در سیما گفت: افراط زیاد در این برنامه ها دربین مردم به تدریج نوعی واکنش منفی ایجاد می کند و شاید به تدریج باعث زدگی مردم بشود، کما این که همین الان هم بخشی از جوانان را بی اعتماد کرده است. هر چیزی، حتی نشان دادن شعائر دینی، باید معقول، به اندازه و به تدریج باشد تا اثر خود را ببخشد. این چیزی است که در روایات هم تاکید شده است. اما مع الاسف شاهد نوعی افراط هستیم. این که فکر کنیم با این کار میخ دین را محکم تر می کنیم درست نیست، این ممکن است نتیجه عکس بدهد.

متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیکم السلام: نه می‌توان به آن روایات تکیه کرد و نه از آقای جعفریان انتظار بود که این‌طور برخورد کنند خوب بود ایشان یک نمونه از اشکالات آقای پناهیان را مطرح می‌کردند و عالمانه نقد می‌نمودند ولی این طور برخوردکردن بسیار دون شأن آقای جعفریان بود و اندیشیدن را از بین می برد. موفق باشید